نگاهی به وضعیت اقتصادی کارتونیست‌ها در ایران

حکایت غریبی است نازنین...

هادی حیدری

اولیـن حقوقی که از مطبوعات گرفتم، به سـال ۷۵ یا ۷۶ برمی‌گردد. یادم می‌آید مدیر امور مالی مجله «گل‌آقا»، ۶۰ اسکناس هزار ریالی را داخل پاکت گذاشت و تحویلم داد و روی کاغذی از من امضا گرفت! یعنی شش هزار تومان!

درسـت در همان روزها با پـدرم برای خرید کفش رفتیـم. کنار سـاختمان وزارت کشـور، فروشـگاه کفش «گام» بود. با اصرار پدر، ماشین را روی پـل پارک کردم بـا این امید که نگهبان ورودی وزارت کشور هوای ماشین را دارد.

بعـد از خرید که برگشـتیم، پلیس بلافاصله ماشـین را جریمه کرد. حالا چقدر خوب اسـت جریمه کرده باشـد؟ درست حدس زدید! شش هزار تومان!

پـدرم گفت جریمه را بایـد خودت پرداخت کنی! من هم درسـت همان شش هزار تومانی را که به عنوان دستمزد از گل‌آقا گرفته بودم، برای جریمه پرداخت کردم.

ایـن خاطـره را گفتم تـا در جریان وضعیت اقتصادی کاریکاتوریست‌ها قرار بگیرید.

بارها پرسـیده‌اند که شغلت چیست؟ من هم پاسخ داده‌ام کاریکاتوریستم. جواب شنیده‌ام: «آن را که می‌دانیم! اما شغلت چیست؟!»

اینکـه چـرا کاریکاتوریسـت بـودن را نمی‌تـوان بـه عنـوان شـغلی قابل اتـکا به حسـاب آورد سـوالی اسـت کـه شـاید ذهن بسـیاری از هم‌صنفانم را درگیـر خود می‌کند. پاسخ به این پرسش، هم ذهن مخاطبان علاقه‌مند را روشـن می‌کند و هم کسانی را که می‌خواهند قدم در این مسیر بگذارند.

زمانـی نـه چنـدان دور مبلـغ پرداختـی بـرای هـر کادر کاریکاتور، بیـش از مبلغی بود کـه بـرای هـر فریم عکـس پرداخت می‌شـد امـا رفته‌رفتـه ایـن ماجـرا برعکـس شـد. بـه واسـطه مسـوولیت سـرویس طـرح و کاریکاتـور در روزنامه‌هـای مختلـف از سـال ۱۳۷۸ به این سـو، به طور مسـتقیم با وضعیت حق‌التصویـر در روزنامه‌هـا درگیـر بـودم. یادم هست که سال ۱۳۷۸ در روزنامه «مشارکت» بابت هر کارتون و کاریکاتور، شش هزار تومان به کاریکاتوریست‌ها پرداخت می‌شد.

ایـن مبلغ به صورت قطره‌چکانی رشـد پیدا کرد تا همین امسـال که در بالاترین حد خود به مبلغ ۲۵ تا ۳۰ هزار تومان بابت هر کادر کارتون و کاریکاتور رسید.

در نظـر بگیریـد که هر کارتونیسـت در ماه چهـار کارتون به روزنامـه‌ای تحویل دهد. پایان مـاه و در بهتریـن شـرایط، صـد هـزار تومان دریافـت خواهد کـرد. حالا این را بدون کسـر بیمـه و در خوشـبینانه‌ترین حالـت می‌گویم. در شـرایط اقتصادی موجود قضاوت کنید که آیا کارتونیسـت می‌تواند با تکیه بر دستمزدی که از یـک روزنامه می‌گیرد، چرخـه اقتصادی زندگی خود را بچرخاند؟!

البتـه مبالغـی کـه ذکر کـردم، مربـوط به روزنامه‌های مسـتقل اسـت و این دسـتمزدها در روزنامه‌هایـی کـه بـه نوعـی دولتـی محسـوب می‌شـوند، بسـیار بالاتر از اینهاست. اگر بخواهیم به شـکل ریشه‌ای به آسیب‌شناسی این مشکل بپردازیم، در قدم اول نگاه‌ها به سوی فرهنگ عمومی جامعه در مواجهه با کاریکاتور و کارتون جلب می‌شود.

کاریکاتور من را می‌کشی؟

برخلاف نگاهی که در کشـورهای پیشـرفته نسـبت به این حرفه وجود دارد، غالب مردم در ایران کاریکاتور را صرفاً یک شـوخی و سرگرمی دم دسـتی می‌پندارنـد. کافی اسـت به کسـی بگویید که کارتونیست هسـتید. اولین واکنشی کـه در او می‌بینیـد، نیشـخند تمسـخرآمیزی اسـت که تحویل‌تان می‌دهـد و در گام بعدی از شما می‌پرسد آیا می‌شـود کاریکاتوری از چهره او بکشید؟!

در حقیقـت کارتونیسـت در ایران با تعبیری محترمانه، یک «شکلک‌کش» محسوب می‌شود!

طبیعی اسـت که جدی نگرفتن کاریکاتور در نـگاه عمومی در زاویه دید مدیران مطبوعات نیز تاثیر می‌گذارد. معمولاً در مطبوعات، ستون‌های کاریکاتـور در روزنامه‌هایی جا دارند که مدیران آن به طور شخصی، زلفی با کاریکاتور گره زده‌اند و علاقه‌ای شـخصی به این هنر داشته و از تاثیر آن باخبرند. در غیر این صورت یا چنین جایگاهی در مطبوعات به کارتونیسـت‌ها داده نمی‌شود یا در ادامه راه با موانعی مواجه می‌شـوند.

انجمن صنفی کارتونیسـت‌ها، غایب بزرگ

امـا از قدیـم گفته‌انـد «حرمـت امامـزاده را بایـد متولـی آن نگـه دارد». در فضایـی کـه کاریکاتوریسـت‌های ایرانـی، هـر روز بـر شمارشـان افزوده می‌شـود، ایـن هنرمندان از وجود یک «انجمن صنفی» برای خود محرومند. فعالیـت یک انجمن صنفـی کاریکاتور می‌تواند تضمین‌کننده امنیت مـادی، حقوقی و معنوی کارتونیسـت‌ها باشـد. انجمن صنفـی می‌تواند تعرفه‌های متعادل و متناسب با شأن هنرمندان این رشته را به طور رسمی تعریف کند و مرجع رسمی برای رسیدگی به مشکلات دست‌اندرکاران این رشته باشد.

مقایسـه‌ای سـاده از میـزان دسـتمزدهای کارتونیست‌های ایرانی با همتایان خارجی آنها، گویای تفاوت‌های آشـکار میان این دو اسـت.

در یـک گوشـه از دنیـا بابـت هـر طـرح کاریکاتـور ۶۰۰ یـورو پرداخت می‌شـود و در ایران، ۱۵ یورو! در یک سـمت کارتونیسـتی را شـاهدیم که از طریق ترسیم دو طرحِ کاریکاتور در هفتـه می‌تواند زندگی قابل توجهی داشـته باشـد در حالی‌که در داخل، کارتونیسـت باید در چندیـن و چنـد نشـریه روزانـه، هفتگی و ماهانه فعالیت کند تـا بتواند طراحی کاریکاتور را به عنوان شـغل دوم خود حسـاب کند، البته اگر اقبال همکاری با نشـریات را داشـته باشد! کارتونیست برای ارائه آثار فاخر و تاثیرگذار باید از امنیت روانی لازم برخوردار بوده و غم نان ذهن او را از خلاقیت تهی نکند.

از دیگـر فوایـد وجـود انجمـن صنفـی کاریکاتوریسـت‌ها، موضوع بیمه و بازنشستگی هنرمندان این رشته است. در حال حاضر، هیچ کارتونیسـتی نمی‌تواند با تکیـه بر حرفه اصلی خود به تامین حقوقی خویش در روزگار ناتوانی و بازنشستگی امیدوار باشد.

آفتابه لگن هفت دست...

از دیگر دلایلی که نمی‌توان کاریکاتوریسـت بـودن را بـه عنـوان یـک شـغل در نظـر گرفـت، محدودیـت بـازار کار برای ارائـه آثار کارتونیست‌هاست.

در حـال حاضـر حجـم روزافـزون هنرمنـدان ایـن رشـته بـا فضـای انتشـار کارتـون و کاریکاتـور همخوانـی نـدارد. روزنامه‌هـا و مجلات زیادی نیسـتند که فضای قابل توجهی برای کارتون داشته باشند. خیلی از مدیران مطبوعاتـی به دلایلی که در ابتدای این مطلب ذکر شد، شناخت و گرایشی به این رشته هنـری ندارنـد. برخی از آنها نیز بیـم آن دارند که کارتون‌ها حساسـیت ناظـران مطبوعاتی را برانگیزد و نشـریه را در خطر تعطیلی قرار دهد. همین عدم تناسـب میان تعداد کارتونیسـت‌ها و فضای ارائه آثار سـبب می‌شـود که این حرفه تکیه‌گاه مناسبی برای فعالان این رشته به حساب نیامده و آنها را به سوی مشاغل دیگر بکشاند.

پول مورد نظر در دسترس نیست!

از تمامـی اینهـا کـه بگذریـم، مطبوعاتـی هسـتند که کاریکاتـور را به عنوان بخش لازم و ضروری برای خود به حسـاب آورده‌اند و فضای مناسـبی را نیز برای ارائه آن در نظر گرفته‌اند. با اشتهای زایدالوصفی به دنبال انتشار کارتون‌ها و کاریکاتورهای متنوع هستند. شما با وسواس زیاد کار را خلق می‌کنید و به موقع به دست مسوول محترم می‌رسـانید و کار هـم در زمان مقتضی منتشر می‌شود.

حالا موقع دریافت حق‌الزحمه شماست. هرچه صبرمی‌کنید از پول خبری نیست. اینجاست که اغلـب برای گرفتن حقوق اولیـه خود باید بازی موش و گربه را شـروع کنید. از شـما دویدن و نرسیدن و از طرف مقابل، بی‌خیالی و خونسردی!

تمامی این موارد را که در کنار هم بگذارید، به علاوه بخش‌هایی که شاید نتوان در این یادداشت به آنها اشـاره کرد، کارتونیسـت را به این فکر وا می‌دارد که نمی‌توان روی این حرفه به عنوان یک شغل، حسابی جدی باز کرد. از همین روست که بسـیاری از کارتونیسـت‌ها به طراحی گرافیک، عـده‌ای به اشـتغال در روابط عمومـی ادارات، عده‌ای بـه قلم زدن در حوزه‌های دیگر پرداخته و گروهـی نیـز به جمـع‌آوری جوایـز رنگارنگ از جشـنواره‌ها اشـتغال یافته‌انـد. عـده زیادی بوده‌اند که به سـوی این رشته هنری با اشتیاقی فراوان رو آورده‌اند امـا عده زیادتری پایبند این رشته نشـده و عطایش را به لقایش بخشیده‌اند. اینها همه به خاطر خطرات و مخاطرات اشـتغال به کاریکاتور در ایران است.

حکایت غریبی است نازنین...

نمونه‌ای از حق‌التصویرهای روزنامه‌ها

طرح: جمال رحمتی

نُت لَند

اقتصاد و «کارتون»

یحیی تدین

«اقتصـاد کارتونی» یـا «کارتون اقتصادی»؟ این دو واژه اگرچه به ظاهر شـبیه یکدیگرند اما دارای معانی یکسانی نیستند. «اقتصاد کارتونی» به خالق اثر اشـاره دارد و «کارتون اقتصادی» به موضوع اثر. به بیان دیگر اولی به حرفه می‌پردازد، چیزی که از آن طریق هنرمندان کارتونیست قادر باشند کسـب درآمد کنند و مخارج یک زندگی معمولـی را بپردازند، و البته باید پذیرفت چنین حرفه‌ای در این روزگار شـرایط بسـامانی ندارد. میزان دستمزد یک کارتونیست در حدی نیست کـه بتوان از آن به عنوان یک شـغل نام برد. به نقل از کارتونیستی که در زمینه مشکلات مربوط به آموزش کارتون از او پرسـش شـده بود، «در حال حاضر پیدا کـردن جایی که بتوان کارهای کارتونیست‌ها را به نمایش گذاشت از بقیه چیزها مهم‌تر اسـت»[1] و این مطلب کاملاً درستی است. در واقع بهتر است گفته شود شرایط ارائه کارتون به ویژه «کارتون مطبوعاتی» خود تبدیل به پدیده عجیبی شده است؛ موجود زنده‌ای که وجود دارد اما قابل نمایش نیسـت. اینکه چه پیش آمده تا وضعیـت این حرفه جذاب به چنین سرنوشـت تاسـف‌باری دچار شـود موضوع بحث ما نیست، لیکن آسیب‌شناسی این «اختلال ارتباطی»، که صدالبتـه اهمیت بالایـی دارد بی‌گمان نیازمند آن اسـت که از طریق نخبگان آشـنا به مسائل جامعه‌شناسـی و فرهنگی برکاویـده و موکداً به آن پرداخته شـود. کار اقتصـادی خود مجموعه فعالیتی اسـت که با تولید و توزیع سروکار دارد، این زنجیـره طویل که از مرحله تدارک تولید تا رسـیدن محصول به دست مشـتری ادامه دارد، در هر کجـا که با مانعی برخـورد کند نهایتاً به سـمت ضایعـات تغییر مسـیر می‌دهـد؛ پیامد ناخوشایندی که هم‌اکنون در بسیاری از حوزه‌ها شـاهد آن هستیم. با این حال در مباحث مربوط به کارهای مطبوعاتی از جمله خلق کارتون‌های انتقادی و سیاسـی، دور شـدن از خلاقیت‌های هنری عوارض اجتماعی و سیاسـی گسترده‌تری را به دنبال دارد. کار و کسـب اقتصادی غالباً به مجموعـه فعالیت‌هایی گفته می‌شـود که عرصه تولیـد، توزیع و مصرف را در برمی‌گیرد، و بدون تردیـد اگر قسـمت‌های توزیع و مصـرف از آن حذف شود دیگر چه چیزی باقی می‌ماند؛ همان تجارت پرسودی که ارزش افزوده میلیارد دلاری آن در بازارهای ژاپن یا امریکا از نظر استراتژیک بسیار بااهمیت است. جای شک نیست رسیدن به چنین جایگاهی بدون داشتن یک بستر مناسب و حمایت‌های همه‌جانبه دست‌اندرکاران بنیادهای اقتصادی و فرهنگی کشور میسر نمی‌شود. قسمت دوم ماجرا در موضوع «کارتون اقتصادی»، اشاره به تولید طرح‌هایی دارد که طی آن کارتونیست، مسائل گوناگون اقتصادی را با چاشنی طنز برای مخاطبان بازگو می‌کند. مثلاً اگر ادامه فعالیت یک کارخانه تولیدی با توجه به آمار و ارقام مقرون به صرفه نباشد مشکل را از طریق طراحی خنده‌آور همـراه تصاویر اغراق‌آمیز برای مخاطبان توضیح می‌دهد. به طور مثال ممکن اسـت کارتونیست در این حالت کارخانه را روی شـانه‌های صاحب آن بگذارد؛ شـخص محترمـی که عرق‌ریزان آن را به طرف مسـیری می‌برد کـه با علامت «انبار ضایعات» مشخص شده است و در مسیر راه یکباره کارگران همـان کارخانه را می‌بینند که با نگرانی بـه او می‌گویند «ما امیدواریم به زودی به حرفه اصلی خودتان بازگردید».

حـال بـه چند نمونـه از این نـوع کارتون‌ها توجه فرمایید. در این مجموعه مسـائل گوناگون اقتصـادی از نـگاه یک کارتونیسـت باذوق بیان می‌شود.

پی‌نوشت:

۱- مقاله «حسـین صافی» در زمینه آموزش کارتـون در ایـران که در شـماره ۱۳ مهر ۱۳۸۹ روزنامه شرق به چاپ رسید.

او به خوبی می داند روسای خود را چگونه سرگرم نماید

ما دوست داریم افکار کارمندان خود را کنترل کنیم

گپ لَند

کیوان زرگری

گفت‌وگو با مرتضی آذرخیل
کاریکاتوریست و تصویرساز جوان

کاریکاتور مطبوعاتی به فضایی باثبات نیاز دارد

مرتضی آذرخیل متولد ۲۰ خردادماه ۱۳۶۱ اسـت که تحصیلاتش را در رشته نقاشی از دانشگاه هنر و در مقطع کارشناسی اخذ کرده. از سال ۱۳۷۲ فعالیت خود را در زمینه کاریکاتور آغاز کرده و تاکنون در جشنواره‌های متعدد داخلی و خارجی حضور پیدا کرده و موفق به کسب جوایزی هم در این زمینه شده. در سال ۱۳۸۷ به اتفاق چند تن از دوستانش گروه کاریکاتور شیر اوژن را تاسیس کرده و تاکنون در تمامی ۹ نمایشگاه این گروه حضوری فعال داشته است. در عین حال به فعالیت مطبوعاتی در نشریاتی همچون طنز و کاریکاتور، طنز پارسی، کیهان‌کاریکاتور و... پرداخته و یک دوره چهارساله هم به عنوان گرافیست و تصویرساز در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان تهران به فعالیت مشغول بوده است. دبیری بخش کاریکاتور اولین جشنواره تصویر استاندارد ۱۳۸۹ جزء آخرین فعالیت‌های وی است که به زودی در تهران برگزار خواهد شد.

-چه عواملی باعث هدایت شما به سمت کاریکاتور شد؟

عوامل متعددی وجود داشت ولی یکی از مهم‌ترین‌شان برادرم بود. ایشان خودشان هم دسـتی در هنر دارند و به واسـطه همین موضوع من را تشویق می‌کردند. اما شاید جرقه اصلی در سال ۱۳۷۳ زده شده که در جشنواره بین‌المللی یومیوری‌شیمبون شرکت کردم و نمی‌دانم شانسی بود یا از اشتباه برگزارکنندگان! من به عنوان نفر اول بخش نوجوان این جشنواره انتخاب شدم. در آن سن و سال این اتفاق انگیزه و انرژی مضاعفی به من داد تا کاریکاتور را به شکل حرفه‌ای دنبال کنم.

-چه زمینه‌های دیگری را به غیر از کاریکاتور نمایشگاهی دنبال کرده‌اید؟

با اینکه در جشـنواره‌ها و مسـابقات زیادی شرکت کرده‌ام ولی در برهه‌ای هم ترجیح دادم سراغ کاریکاتور مطبوعاتی بروم. کارم را در این زمینه با نشریه طنز و کاریکاتور آغاز کردم و بعدها با هفته‌نامه‌ای به نام طنز پارسـی ادامه پیدا کرد. مدتی هم در همین ژانر کار کردم ولی مجدداً فعالیت نمایشگاهی‌ام را هم دنبال کردم چراکه تصورم این بود که با حضور فعالانه در هر دو بخش و دیدن کارهای بیشتر در ارائه بهتر آثارم موفق‌تر خواهم بود.

-اگر بخواهی از بین کاریکاتور نمایشـگاهی یا مطبوعاتی یکی را انتخاب کنی، گزینه‌ات کدام است؟

در شـرایط فعلی کاریکاتور نمایشـگاهی را ترجیح می‌دهـم. کاریکاتور مطبوعاتی به فضایی باثبات نیاز دارد ولی ما در سال‌هایی این فضا را داشته‌ایم و در سال‌هایی هم نداشته‌ایم. به همین خاطر خیلی بسـتر مناسبی برای فعالیـت در این زمینه نمی‌بینم و ترجیح می‌دهم در همان مسابقات و جشنواره‌ها حضور داشته باشم.

-از گـروه کاریکاتور خودتان «شیراوژن» بگویید؟ این اسم عجیب و غریـب گروهتان به چه معنی است؟

«شیراوژن» نام یکی از پهلوانان اساطیری ایران است که روزی در یکی از شکارگاه‌ها هنگامی که یک شیر به سمت شاه حمله‌ور می‌شود، او با زور بازو و بدون سلاح، شیر را از هم می‌درد و از آن پس شـاه به او لقب شـیراوژن یعنـی «درنده شیر» می‌دهد. در سال ۱۳۷۸ به اتفاق دوست بسیار خوبم آقای حمیدرضا مسیبی این گروه را پایه‌گذاری کردیم و در ادامه دوستان دیگری هم به ما پیوستند. خط مشی ما تاسیس یک گروه بین‌المللی کاریکاتور مستقل غیردولتی بود که هیچ وابستگی‌ای (اعم از مادی و معنوی) به هیچ گرایش و حزب و سازمانی نداشته باشد. شیراوژن «کاریکاتور را برای کاریکاتور» می‌خواهد و دستمایه شدن آن را برای رسیدن به اهداف مختلف به ویژه سیاسی برنمی‌تابد. شیراوژن می‌کوشد کاریکاتور ناب را پرورش دهد و بکوشد نگاه تخصصی به این تاثیرگذارترین هنر تجسمی را احیا کند. شیراوژن به دلیل فعالیت‌ها و ارتباطات جهانی خود، یک گروه بین‌المللی است. هنرمندانی که تاکنون مهمان افتخاری شیراوژن (۹ نمایشگاه از سال ۷۹ تاکنون) بوده‌اند عبارتند از: پائولو دالپونته (ایتالیا)، الساندرو گاتو (ایتالیا)، والنتین دروژنین (روسیه)، اولگ گوتسول (اوکراین)، کریستوبال رینوزو (آرژانتین)، پاول کنستانتین (رومانی)، فلورین کریهانا (رومانی)، الکسی تالیمونوف (انگلستان).

این روزها در تدارک دهمین نمایشـگاه گروهمان هستیم و امیدواریم به زودی شاهد برگزاری آن باشیم.

-بهترین کاریکاتوری که کشیدید و خیلی هم دوستش دارید، کدام است؟

کاریکاتوری با موضوع شـام آخر دارم که برای یک جشـنواره خارجی کشیدم. موضوع آن هم شوخی با این اثر معروف هنری است که میهمانان کنار میز را نشان می‌دهد که با حیرت شاهد ورود چندین پاکت پیتزا هستند.

-این روزها بیشتر تصویرسازی می‌کنید یا کاریکاتور؟

الان بیشـتر مشغول تصویرسازی هسـتم و با گروه مجلات همشهری همکاری دارم. کاریکاتور را بیشتر به عنوان یک علاقه و عشق دنبال می‌کنم چرا که درآمد خاصی ندارد و نمی‌تواند به عنوان یک شغل هزینه‌های سنگین زندگی را تامین کند.

- چه پیشنهادی برای برون‌رفت کاریکاتور از این شرایط نامطلوب دارید؟

تشکیل انجمن صنفی کاریکاتوریست‌ها در این زمینه خیلی مهم و کارساز است. شاید این موضوع بتواند این کار را به عنوان یک شـغل یا صنف به جامعه معرفی کند. و از این طریق نگاه جدی‌تر یا حرفه‌ای‌تری هم به ما بشود. البته در این ماجرا خود کاریکاتوریست‌ها هم کوتاهی کرده‌اند و با وجودی که جلساتی برای این امر تشکیل شد ولی منجر به نتیجه نشـد. با وجودی که تا به امروز ۹ دوره دوسـالانه کاریکاتور در کشورمان برگزار شده ولی موفق به ایجاد یک تشکل صنفی برای کاریکاتوریست‌ها نشده‌ایم که جای تاسف بسیار دارد.

نیوز لَند

بازی‌های ذهنی درم‌بخش در آریا

کامبیز درم‌بخش- کارتونیست پیشکسوت و پرتلاش- مجموعه‌ای از جدیدترین کارهای خود را به نمایش می‌گذارد. درم‌بخش چندی پیش دوره درمانی نه‌چندان آسانی را به دلیل بیماری پشت سر گذاشته است اما این باعث نشده تا چیزی از فعالیت او کاسته شود. آثار ارزشمند این نمایشگاه همگی حاصل تلاش بی‌وقفه او در این دوره نه‌چندان راحت است. نمایشگاه اخیر کامبیز درم‌بخش «بازی‌های ذهنی» نام دارد و از ۲۹ مهرماه تا ۱۰ آبان‌ماه در نگارخانه آریا در معرض دید علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. درم‌بخش متولد سال ۱۳۲۱ شیراز است و طی ۵۵ سـال کار حرفه‌ای در مطبوعات داخل و خارج کشـور و برگزاری ۵۰ نمایشـگاه انفرادی و ۱۰۰ نمایشـگاه گروهی، افتخارات فراوانی را از جمله راهیابی به موزه‌های معتبر جهان برای ایران رقم زده است. نگارخانه آریا در خیابان ولیعصر، بالاتر از سـه‌راه عباس‌آبـاد، کوچه زرین، شماره ۱۱ واقع شده است.